

تعیین نقش عملکردی بیمه در بخش‌های سه گانه اقتصاد ایران^۱

محمد رضا عسکری

مقدمه

با این‌که نزدیک به یک قرن از آغاز فعالیت‌های بیمه‌ای در ایران می‌گذرد و در این مدت صنعت بیمه فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است، اما هنوز نتوانسته جایگاه حقیقی خود را در بین قشرهای مختلف جامعه پیدا کند و به ایفای نقش مورد انتظار در نظام اقتصادی کشور پردازد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش دولتمردان همواره در کاهش اتکای اقتصاد ملی به درآمد نفتی بوده و سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات صورت گرفته است. در این رهگذر، بدیهی می‌نمود که وظیفه اطمینان بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها به عهده بیمه واگذار شود که قضاوت در مورد توفیق بیمه در این مأموریت نیاز به بررسی دقیق دارد. هدف‌های کلان دولت برای کاهش نیاز به واردات کالاهای مصرفی و صنعتی از یک سو و افزایش توان صادرات غیرنفتی از دیگر سو، این مهم را می‌طلبد که کلیه دست‌درکاران تولیدی در محیطی امن به فعالیت پردازند و در مقابل ریسک‌های حاد مالی حمایت شوند. از این رو، بیمه باید همچون اهرمی برای تداوم مسیر توسعه اقتصادی به کار گرفته شود و از توقف فعالیت‌ها در هر یک از بخش‌ها جلوگیری کند. اما هیچ‌گاه توازنی منطقی بین بخش‌های مزبور وجود نداشته است و یک برنامه‌ریزی جامع برای پوشش بیمه‌ای کلیه نهاده‌های اقتصادی در دست‌رس نیست. در حالی که برخی از انواع بیمه، مانند بیمه اتوموبیل، فراگیر شده است. اکثر مواردی که در معرض ریسک قرار دارند، هنوز پوشش مناسب بیمه‌ای ندارند. بنابراین، با یک بررسی دقیق در زمینه تعیین نقش عملکردی بیمه در هر

۱. این مقاله، چکیده پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده از دانشکده مدیریت و علوم اداری دانشگاه تهران

بخش و یافتن نقاط قوت و ضعف، می‌توان به یاری برنامه‌ریزان اقتصادی کشور شتافت تا با دیدی واقع‌بینانه به آینده بنگرند و در آستانهٔ ایران سال ۱۴۰۰، جایگاه حقیقی بیمه را در جامعه تعیین و تحکیم بخشند. این بررسی جامع باید به سه مسأله اصلی پاسخ دهد:

۱. آیا صنعت بیمه جایگاه واقعی خود را در هر یک از بخش‌های اقتصادی ایران پیدا کرده است؟

۲. کدام بخش به توجه بیشتری در توسعهٔ بیمه نیاز دارد؟

۳. چه موانعی بر سر راه فراگیر شدن بیمه در اقتصاد کشور قرار دارد؟

پیدایش و توسعهٔ بیمه در ایران

با وجود سابقهٔ نسبتاً طولانی بیمه در جهان و گسترش سریع آن از سدهٔ هجدهم به بعد، مردم ایران خیلی دیر با مفهوم بیمه آشنا شدند. در سال ۱۲۶۹ ناصرالدین شاه قاجار طی قراردادی ننگین، امتیاز تأسیس ادارهٔ بیمه و حمل و نقل در ایران را برای مدت ۷۵ سال به لازار پولیاکوف یکی از اعضای شورای دولتی روسیهٔ تزاری واگذار کرد. اما این امتیاز که شامل بیمهٔ حمل و نقل دریایی، آتش‌سوزی و بیمهٔ محصولات کشاورزی و دام بود، هرگز عملی نشد و سه سال بعد به علت ناتوانی پولیاکوف در ایفای تعهداتش، لغو شد. در قرارداد پستی ایران و روسیه در ۲۹ بهمن ۱۲۸۳، نخستین بار واژه‌های «بیمه» و «بیمه شده» برای مرسولات پستی به کار برده شد و رایج گشت. با این حال، عملیات بیمه‌گری در ایران از سال ۱۲۸۹ آغاز شد، یعنی زمانی که دو شرکت روسی نادژدا و کافکازمرکوری با تأسیس شعبات خود به بیمه کردن کالاهای تجاری ایرانی و روسی پرداختند. در سال ۱۳۰۰ شمسی، کمپانی بیمهٔ انگلیسی آلیانس در ایران شروع به کار کرد و به صدور بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی، سرقت و اتوموبیل مبادرت ورزید. در تیر ۱۳۰۸، نمایندگی بیمه‌گران فاولر در رشته‌های حمل و نقل، زندگی، حوادث، آتش‌سوزی، اتوموبیل و باربری دریایی تأسیس شد. به موجب مادهٔ هشتم قانون ثبت شرکت‌ها که در خرداد ۱۳۱۰ به تصویب رسید، کلیهٔ مؤسسات بیمه موظف شدند که برای تداوم فعالیت خود به ثبت شرکت در ایران اقدام کنند، از این زمان به تدریج بازار بیمهٔ کشور جولانگاه شرکت‌های بیمهٔ خارجی شد که با تأسیس دوایر و شعب خود به عملیات بیمه‌ای می‌پرداختند. تعداد این مؤسسات در مدت کوتاهی تقریباً به ۲۳ شرکت افزایش یافت.

در ۱۶ شهریور ۱۳۱۴، در پی کوشش‌های دکتر «آفابان»، دولت، شرکت سهامی بیمه ایران را با ۲۰ میلیون ریال سرمایه تأسیس کرد. از آن‌جا که این نخستین شرکت کاملاً ملی در خاورمیانه و غرب آسیا بود، با مخالفت شدید کمپانی‌های اروپایی مواجه شد. شرکت بیمه ایران ابتدا در رشته آتش‌سوزی و حمل و نقل به صدور بیمه‌نامه پرداخت و پس از مدتی با همکاری یک کمپانی سوئیسی، به عقد قرارداد بیمه زندگی و حوادث هم دست زد. مؤسسات بیمه خارجی با درک این واقعیت که حضور شرکت بیمه ایران در بازار بیمه مترادف با از دست رفتن بخش بزرگی از منابع آنان است، مشکلات عدیده‌ای در داخل و در صحنه‌های جهانی در زمینه اتکایی‌های موردنیاز بیمه ایران ایجاد کردند. افزون بر این، موجب این نگرانی پیوسته هم بودند که در اقدامی مشترک با پایین آوردن موقتی نرخ‌های خود، سبب حذف شرکت بیمه ایران از بازار شوند. بدین لحاظ، دولت برای حمایت از این شرکت در ۶ مهر ۱۳۱۶ قانونی تصویب کرد که اولاً انحصار بیمه سازمان‌های دولتی را به بیمه ایران واگذار کرد؛ ثانیاً کلیه شرکت‌های خارجی و داخلی موظف شدند که تا ۲۵ درصد از بیمه‌نامه‌های صادر شده را به صورت اتکایی اجباری به شرکت بیمه ایران بپردازند؛ ثالثاً کالاهای صادراتی و وارداتی و اموال موجود در کشور الزاماً باید نزد بیمه ایران، بیمه می‌شد. شرکت سهامی بیمه ایران با حمایت دولت به فعالیت خود ادامه داد و به سرعت نقش خود را در بازار بیمه کشور تقویت کرد به طوری که در سال ۱۳۱۸ بیش از ۷۵ درصد بازار بیمه را در اختیار داشت و سهم کمپانی‌های خارجی ناچیز بود.

قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ در ۳۶ ماده با اقتباس از قوانین خارجی تنظیم شد و به تصویب مجلس شورای ملی رسید و از آن زمان تاکنون قابلیت اجرایی خود را حفظ کرده است. دولتی ملی دکتر مصدق در زمان کوتاهی که بر اوضاع کشور حاکم بود، مهم‌ترین نقش را در توسعه بیمه ایران ایفا کرد. در ۱۲ آذر ۱۳۳۱ هیأت دولت مقرراتی را تصویب کرد که به موجب آن کلیه شرکت‌های بیمه خارجی موظف شدند که برای ادامه فعالیت خود در ایران، ۲۵۰ هزار دلار ودیعه نزد بانک ملی ایران ذخیره کنند و پس از آن منافع سالیانه خود را تا زمانی که این مبلغ به ۵۰۰ هزار دلار برسد بر آن بیفزایند. این تصمیم موجب تعطیل شدن کلیه نمایندگی‌ها و شعب شرکت‌های بیمه خارجی در ایران، به استثنای دو شرکت بیمه «یورکشایر» انگلیس و «اینگسترخ» شوروی، شد و شرایط را برای گسترش فعالیت شرکت‌های بیمه ایرانی فراهم ساخت.

نخستین شرکت بیمه خصوصی ایران در خرداد ۱۳۲۹ به نام بیمه شرق و با سرمایه

۱۰۰ میلیون ریال فعالیت خود را آغاز کرد. این شرکت، بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی، اتوموبیل، باربری، حوادث و بیمه بانکی صادر می‌کرد. در ۲۵ شهریور ۱۳۳۱، شرکت بیمه بازرگانان نیز با سرمایه ۵۰ میلیون ریال در رشته‌های حمل و نقل، اتوموبیل و حریق تأسیس شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مؤسسات خصوصی بیمه یکی پس از دیگری تأسیس شدند. این شرکت‌ها به موازات شرکت بیمه ایران، پوشش بیمه‌ای لازم را برای اموال و اشخاص فراهم می‌کردند.

در سال ۱۳۴۲، سندیکای بیمه‌گران ایران تشکیل شد که در مدت فعالیت خود تا سال ۱۳۵۰، گام‌های مثبتی در ایجاد همکاری بین شرکت‌های بیمه برداشت و با همکاری شرکت بیمه ایران، طرح بیمه اجباری مسؤلیت مدنی رانندگان را که به بیمه شخص ثالث مشهور است تهیه کرد. این سندیکا تلاش زیادی برای تنظیم امور بیمه انجام داد.

در ۳۰ خرداد ۱۳۵۰، «قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری» به تصویب رسید. براساس ماده یک این قانون، به منظور تنظیم و تعمیم و هدایت امر بیمه در ایران و حمایت بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها و هم‌چنین به منظور اعمال نظارت دولت بر این فعالیت‌ها، مؤسسه‌ای به نام بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این قانون به صورت شرکت سهامی تأسیس شد. با تصویب قانون بیمه مرکزی، امور بیمه‌گری از جمله نظارت بر مؤسسات بیمه، تأسیس شرکت‌های جدید و هدایت امر بیمه، تحت ضوابط قانونی در آمد. تأسیس بیمه مرکزی ایران، قوام بیشتری به صنعت بیمه کشور داد و از آن پس شورای عالی بیمه که یکی از ارکان بیمه مرکزی ایران است، ضوابط و مقررات مختلفی در مورد نحوه عملیات بیمه‌ای در کشور و نرخ و شرایط انواع بیمه‌نامه‌ها تصویب کرد.

وقوع جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۵۲ و تحریم نفتی کشورهای عربی علیه ممالک غربی متحد صهیونیست‌ها، ضربه‌ای ناگهانی به بازار جهانی نفت وارد آورد که متعاقب آن قیمت نفت از هر بشکه ۲ تا ۳ دلار به ۱۰ دلار افزایش یافت. تولید نفت ایران نیز به ۶ میلیون بشکه در روز رسید و در نتیجه درآمد نفتی کشور از ۵ میلیارد دلار در ۱۳۵۲ به ۱۸/۵ میلیارد دلار در ۱۳۵۳ ترقی کرد. افزایش درآمد نفت در این سال، تأثیرات چشم‌گیری بر متغیرهای کلان اقتصادی و به تبع آن حق‌بیمه‌های دریافتی برجای گذاشت. میزان حق‌بیمه‌های عاید شده کل بازار در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ سه

برابر شد و زمینه رشد سریع صنعت بیمه و سرمایه‌گذاری‌های وسیع داخلی و خارجی فراهم گشت. یکی از آثار این روند، تشکیل شرکت‌ها و کارگزاری‌های بیمه چند ملیتی بود. رشد اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت و بالا رفتن حجم سرمایه‌گذاری‌ها موجب توسعه بازار بیمه کشور شد و مجدداً شرکت‌های بیمه خارجی را به سرمایه‌گذاری در ایران علاقه‌مند ساخت، به طوری که در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ چهار شرکت بیمه جدید به نام‌های بیمه تهران، دانا، ایران و امریکا (توانا) و حافظ با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی تأسیس شدند و به این ترتیب تعداد شرکت‌های بیمه ایرانی به ۱۳ مؤسسه رسید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، بازار بیمه کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد. توقف فعالیت کارخانه‌ها و واحدهای اقتصادی، موجب رکود نسبی در اقتصاد ایران شد و در نتیجه رشد منفی حق بیمه را موجب گشت. شورای انقلاب در چهارم تیر ۱۳۵۸ با صدور مصوبه‌ای، نقطه عطف تاریخ جوان صنعت بیمه کشور را رقم زد. طبق این مصوبه، برای حفظ حقوق بیمه‌گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر ایران و گماردن بیمه در خدمت مردم، کلیه مؤسسات بیمه کشور ضمن قبول اصل مالکیت مشروع، ملی اعلام شدند. در ضمن، به موجب همین تصویب‌نامه، دو نمایندگی خارجی اینگستراخ و یورکشایر منحل شدند. در جهت پیشبرد مفاد این مصوبه، اداره امور شرکت‌های بیمه ملی شده به عهده مجمع عمومی مشترک مرکب از وزیران بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، کار و امور اجتماعی، بهداشتی و برنامه و بودجه گذاشته شد. از نظر اجرایی نیز، امور به هیأت مدیره مشترکی مرکب از نمایندگان همین وزیران و مدیرعامل شرکت سهامی بیمه ایران و رئیس کل بیمه مرکزی ایران محول شد.

پس از بررسی‌های به عمل آمده، از میانه سال ۱۳۶۰ هیأت مدیره مشترک این مؤسسات مقرر داشت که از ۱۲ شرکت ملی شده، ۲ شرکت که نتیجه عملکرد آن‌ها مثبت‌تر بوده، به فعالیت خود ادامه دهند و بقیه فقط به ایفای تعهدات گذشته و پرداخت خسارت‌های معوق بپردازند. از این رو، دو شرکت بیمه آسیا و البرز در کنار شرکت بیمه ایران، به کار خود ادامه دادند و پرتفوی دیگر شرکت‌های ملی شده به این دو شرکت منتقل شد. شروع جنگ تحمیلی در شهریور ۱۳۵۹ و پایداری قهرمانانه مردم ایران در مقابل فشارهای روز افزون استکبار جهانی، محاصره اقتصادی کشور را در پی داشت و

متعاقب آن با کاهش قیمت جهانی نفت از سال ۱۳۶۳، شرایط ویژه‌ای بر اقتصاد ایران حاکم شد. با وجود این، صنعت بیمه توانست با ارائه پوشش‌های بیمه‌ای جدید، مانند بیمه خطر جنگ و بیمه دیه و نیز گسترش پوشش‌های بیمه‌ای موجود، از کاهش شدید حق بیمه جلوگیری کند و بازار بیمه کشور را در حالت ثبات نسبی نگه‌دارد. از سوی دیگر، مؤسسه بیمه لویدز لندن نرخ ریسک جنگ را در مورد کالاها و کشتی‌هایی که به مقصد بندرهای جنوبی ایران در حرکت بودند، به نحو چشم‌گیری افزایش داد اما مسئولان صنعت بیمه کشور با هماهنگی دولت از پذیرش نرخ‌های اعلام شده خودداری و پوشش بیمه‌ای مورد نیاز را با نرخ نازل عرضه کردند. صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سال ۱۳۶۳ کار خود را رسماً آغاز کرد و برای شروع، عملیات بیمه زراعت چغندر قند در خراسان و پنبه در مازندران را به‌طور آزمایشی به عهده گرفت و از سال ۱۳۶۵ مزارع سویا را هم تحت پوشش قرار داد. با کوشش و تدبیر بیمه مرکزی ایران در سال ۱۳۶۷، قانون اداره امور شرکت‌های بیمه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق این مصوبه، مالکیت سهام شرکت‌های بیمه آسیا و البرز به دولت منتقل شد و با ادغام ۱۰ شرکت بیمه خصوصی در یکدیگر، شرکت دولتی بیمه دانا شکل گرفت تا منحصراً در زمینه بیمه‌های اشخاص فعالیت کند.

وقوع جنگ تحمیلی، تأثیر زیادی بر همه ساختارهای اقتصادی گذاشت و خسارت‌های فراوان آن بیش از همه، صنعت بیمه را دستخوش بحرانی جدی کرد، اما از سوی دیگر، بیمه‌گران را به ارائه پوشش‌های لازم در داخل کشور و کاهش وابستگی به بازارهای جهانی ترغیب کرد. با خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، از سال ۱۳۶۸ شاهد آغاز دوران جدیدی در روند رشد حق بیمه بودیم، به طوری که متوسط نرخ رشد حق بیمه طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۰ به حدود ۵۰ درصد در سال بالغ شد. افزایش قیمت نفت باعث توسعه طرح‌های عمرانی و رشد واردات شد که شتاب زیادی به توسعه صنعت بیمه بخشید و به موازات آن، انواع پوشش‌های جدید بیمه‌ای نیز در جامعه عرضه شد. کاهش نرخ برابری پول ایران در مقابل ارزهای خارجی، عامل اصلی رشد میزان حق بیمه‌ها و خسارت‌های بازار بیمه در سال‌های پس از جنگ بوده است. سقوط فاحش ارزش پول ملی موجب شد تا حق بیمه‌های بازار، در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ پنج برابر شود و طی دو سال از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ جمع حق بیمه دریافتی از ۸۸۷ میلیارد ریال به بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال بالغ شد؛ ضریب خسارت هم از ۴۹ درصد به ۷۰ درصد افزایش یافت.

بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران

کشور ایران جمعیتی بالغ بر ۶۰,۰۵۵,۴۸۸ نفر را در خود جای داده است که ۵۰/۸ درصد از آن را مردان تشکیل می‌دهند. حدود ۶۱/۳ درصد از جمعیت در ۶۱۴ نقطه شهری ساکن هستند و بقیه در ۶۸۱۲۵ روستا زندگی می‌کنند. جمعیت فعال کشور ۱۶,۰۲۷,۲۲۳ نفر است که ۱۴,۵۷۱,۵۷۲ نفر شاغل و ۱,۴۵۵,۶۵۱ نفر بیکار را شامل می‌شود. نرخ بیکاری در فاصله سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۵ از ۱۱/۱ به ۹/۱ درصد کاهش یافته است. سهم زنان از نیروی کار ۱۲/۷ درصد است. طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵، سهم کشاورزی از جمعیت شاغل از ۲۹ درصد به ۲۳ درصد کاهش پیدا کرده است و در مقابل، شاغلان بخش صنعت از ۲۵/۳ به ۳۰/۷ درصد و شاغلان بخش خدمات از ۴۵/۷ به ۴۶/۳ درصد افزایش یافته‌اند.

تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۳ بالغ بر ۱۲۵,۳۶۷ میلیارد ریال بوده است که به‌طور سرانه ۲,۱۳۴,۰۰۰ ریال درآمد سالیانه هر نفر برآورد می‌شود. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۲۱ درصد، نفت ۱۹ درصد، صنعت ۱۸ درصد و خدمات ۴۲ درصد بوده است. میزان رشد واقعی تولید ملی طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۴ حدود ۴/۲ درصد بود. براساس مصوبه دوم بودجه عمومی سال ۱۳۷۴، درآمدهای دولت ۴۶,۱۶۰ میلیارد ریال و هزینه‌های آن ۴۶,۴۱۰ میلیارد ریال بود که ۲۵۰ میلیارد ریال کسری بودجه نشان می‌داد. از مجموع درآمد، ۵۹/۵ درصد را نفت و گاز و ۱۵/۷ درصد را مالیات تشکیل داده بود.

متوسط درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۵ معادل ۹۳,۹۰۰ ریال در ماه بود که این رقم در ۱۳۷۴ به ۶۱۴ هزار ریال افزایش یافت. درآمد ماهانه خانوارهای روستایی هم از ۴۷,۴۰۰ ریال در سال ۱۳۶۵ به ۳۸۰,۱۰۰ ریال در ۱۳۷۴ بالغ شد. این رشد سریع درآمد، ناشی از تورم شدید قیمت‌ها بود که از ۲۲/۸ درصد در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به ۴۹/۴ درصد در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ رسید. به عبارتی، درآمد واقعی یا قدرت خرید خانوارها طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ بیش از ۲۰ درصد کاهش پیدا کرد.

۱. کشاورزی در ایران در حال ماشینی شدن و بهبود روش‌های تولید است. از کل ارزش افزوده این بخش، ۵۵ درصد از زراعت و باغداری، ۴۳ درصد از دامداری و پرورش طیور و حدود ۲ درصد از جنگلداری و صیادی به‌دست می‌آید. سطح کل اراضی مزروعی به بیش از ۱۸ میلیون هکتار بالغ می‌شود که در نواحی کوهپایه‌ای به

صورت دیم و در سایر مناطق به شکل آبیاری شده به زیر کشت می‌رود. بارش اندک و نامنظم، کمبود خاک حاصلخیز، وسعت زمین‌های شور بیابانی و وجود رودهای کم آب و عمدتاً فصلی، از جمله عواملی هستند که سبب محدودیت کشاورزی در ایران شده‌اند. در سال ۱۳۷۲، تولید محصولات مهم زراعی کشور عبارت بود از: گندم (۱۰.۸۷۰.۰۰۰ تن)، جو (۳۰۴۵.۰۰۰ تن)، چغندر قند (۵.۲۹۵.۰۰۰ تن) و برنج (۲.۲۵۹.۰۰۰ تن). دامداری هم در ایران از رونق خوبی برخوردار است و در سال ۱۳۷۰، شمارش دام‌های اصلی، خیر از وجود ۴۰.۷۰۷.۰۰۰ گوسفند، ۲۲.۲۴۴.۰۰۰ بز و ۶.۱۲۶.۰۰۰ گاو داده است.

۲. بخش صنعت پس از خاتمه جنگ تحمیلی و با توجه به سیاست‌های اقتصادی دولت در اولویت سرمایه‌گذاری قرار گرفته و از رشد نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است. از مجموع ارزش افزوده این بخش ۶۸ درصد به صنایع کارخانه‌ای، ۱۹ درصد به صنایع ساختمانی، ۱۱ درصد به آب و برق و گاز و ۲ درصد به استخراج معادن مربوط است. در سال ۱۳۷۳، ۱۳.۲۴۷ کارگاه بزرگ صنعتی با ۸۵۳ هزار نفر شاغل دایر بوده است. مهم‌ترین تولیدات کارخانه‌ای کشور در سال ۱۳۷۴ عبارت بود از: سیمان ۱۷.۴۹۱.۰۰۰ تن، قند و شکر ۸۲۶.۷۰۰ تن، روغن نباتی ۷۷۱.۴۰۰ تن، کاغذ ۲۵۵.۴۰۰ تن، گرد لباس‌شویی ۲۱۹.۸۰۰ تن، لاستیک ۱۱۳.۷۰۰ تن، سیگار ۹.۷۷۵ میلیون نخ و فرش ماشینی ۶۰۷۱.۰۰۰ متر مربع. تولیدات معدنی مهم ایران در سال ۱۳۷۳ شامل ۲۶.۹۰۰.۰۰۰ تن سنگ آهک، ۷.۹۴۸.۰۰۰ تن سنگ گچ، ۵.۳۸۷.۰۰۰ تن سنگ‌های تزئینی و مرمر و ۵۰۱۷.۰۰۰ تن سنگ آهن بوده است. تولید انرژی در کشور طی سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته است. در سال ۱۳۷۴، نیروگاه‌های حرارتی و آبی بالغ بر ۸۰ میلیارد و ۴۴ میلیون کیلووات ساعت برق تولید کردند که در مقایسه با دو سال قبل، ۳/ درصد افزایش داشت. نفت و گاز ماده اصلی سوختی را تشکیل می‌دهد. ایران پس از روسیه دومین ذخایر گاز طبیعی را دارد و تولید آن در سال ۱۳۷۴ به ۷۹/۲ میلیارد متر مکعب بالغ می‌شد که ۲.۶۱۸.۷۴۹ مشترک از آن استفاده می‌کردند. ایران بعد از عربستان، عراق و امارات، چهارمین ذخایر جهانی نفت خام را در اختیار دارد و با ۳.۹۲۵.۰۰۰ بشکه در روز بعد از امریکا، عربستان و روسیه چهارمین تولیدکننده نفت نیز به شمار می‌رود. در سال ۱۳۷۴، ظرفیت صادرات نفت خام کشور ۲.۴۰۹.۰۰۰ بشکه در روز بود و ۹.۵۰۹.۰۰۰ تن مواد نفتی نیز صادر می‌کرد. بعد از عربستان، دومین

صادرکننده نفت خام در جهان.

۳. بخش خدمات در دوره بعد از پیروزی انقلاب، تبدیل به مهم‌ترین حیطه فعالیت‌های اقتصادی در ایران شده است. از کل ارزش افزوده این بخش ۱۸ درصد از حمل و نقل، ۲۳ درصد از خدمات بازرگانی، ۲۶ درصد از خدمات و مستغلات، ۲۱ درصد از خدمات عمومی، ۴ درصد از خدمات اجتماعی، ۲ درصد از بانکداری و ۶ درصد از سایر خدمات به دست می‌آید. در سال ۱۳۷۴، طول راه‌های کشور ۱۵۶.۵۰۷ کیلومتر و ۴۸/۷ درصد آن آسفالت بوده است. تعداد وسایل نقلیه موتوری نیز در سال ۱۳۷۲ به ۱.۵۵۷.۰۰۰ دستگاه اتوموبیل سواری و ۵۸۴.۱۰۰ دستگاه کامیون و اتوبوس می‌رسید. راه آهن ایران که ۴۸۵۱ کیلومتر خطوط آهن را در اختیار دارد، با استفاده از ۲۳۳ دستگاه لوکوموتیو در سال ۱۳۷۴ بالغ بر ۹.۶۲۲.۰۰۰ نفر مسافر و ۲۱.۴۰۱.۰۰۰ تن بار را جابه‌جا کرده است. در سال‌های اجرای برنامه توسعه، کار احداث و راه‌اندازی راه آهن «بافق - بندرعباس» و «سرخس - ترکمنستان» با موفقیت صورت گرفت و مسیر ترانزیتی حمل کالای تجاری از آسیای میانه به خلیج فارس گشایش یافت. ناوگان بازرگانی ایران شامل ۱۴۶ کشتی با ظرفیت ۶.۷۱۰.۰۰۰ تن است که از این مجموعه، شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران ۷۳ کشتی با ظرفیت ۲.۱۷۲.۰۰۰ تن را در اختیار دارد. ۳۰ فرودگاه مهم در مراکز استان و شهرهای عمده به کار حمل و نقل هوایی اشتغال دارند که در سال ۱۳۷۴ بیش از ۹/۲ میلیون نفر مسافر را پذیرا بوده‌اند. ارتباطات در ایران تحت نظارت دولت قرار دارد. در کل کشور ۷۵ ایستگاه رادیویی، ۱۳۰۵ ایستگاه تلویزیونی و ۸۶ فرستنده اف.ام کار می‌کنند. این مراکز، خدمات صدا و سیما را به ۱۳ میلیون گیرنده رادیو و ۷ گیرنده تلویزیون موجود ارائه می‌دهند. در سال ۱۳۷۴، تعداد تلفن‌های نصب شده به ۵.۹۲۴.۲۲۰ شماره بالغ شده و ۱۲.۱۸۹ روستا نیز از ارتباط تلفنی بهره‌مند شده‌اند. در سال ۱۳۷۳ تعداد ۳۶۰.۶۵۸ نفر جهانگرد وارد کشور شده‌اند که عمدتاً از روسیه، خاورمیانه، پاکستان و اروپا بوده‌اند و مقادیر درخور توجهی ارز نصیب اقتصاد ملی کرده‌اند. اما در مقابل، بسیاری از ایرانیان هم به خارج رفته‌اند و تراز درآمدهای حاصل از جهان‌گردی را منفی نگه‌داشته‌اند.

در سال ۱۳۷۳، صادرات ایران معادل ۱۹۰.۵۸ میلیون دلار و واردات آن ۱۲.۶۸۳ میلیون دلار بوده است. در حالی که در سال ۱۳۶۹ نفت ۹۳ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌داد، این نسبت در سال ۱۳۷۱ به ۸۵ درصد و در سال ۱۳۷۳ به ۷۷ درصد

کاهش یافت و سهم صادرات غیرنفتی بالا رفت. سیاست‌های ارزی و اقتصادی دولت سبب شد که واردات کالاها طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۳ به نصف تنزل یابد. مجموع صادرات غیرنفتی در ۱۳۷۳ بالغ بر ۷,۴۵۴,۱۰۰ تن کالا به ارزش ۸,۳۱۲ میلیارد ریال بوده که ۳۵ درصد از آن را فرش، ۸ درصد پسته، ۶ درصد آهن و فولاد و بقیه را عمدتاً مس، خرما، منسوجات، خاویار و خشکبار تشکیل می‌دادند؛ ۱۰/۴ درصد به امارات، ۵/۹ درصد به ترکیه، ۳/۸ درصد به ژاپن و بقیه به سایر نقاط جهان ارسال شده است. واردات گمرکی کشور هم ۱۶,۰۸۳,۱۰۰ تن بوده است که ۱۷,۹۲۵ میلیارد ریال ارزش دارد و ۱۸/۲ درصد از آلمان، ۸/۱ درصد از ایتالیا، ۷/۹ درصد از ژاپن، ۵/۹ درصد از امارات و بقیه از سایر کشورها خریداری شده است. بخش عمده واردات را گندم، برنج، شکر، کاغذ، کالاهای صنعتی، ماشین‌آلات و دام زنده دربر می‌گیرد.

جایگاه بیمه در اقتصاد ایران

ایران کشوری است که اقتصاد آن متکی به نفت است و تک محصولی بودن باعث شده است تا رشد اقتصادی به کندی صورت گیرد. با توجه به بحران‌های شدید پس از پیروزی انقلاب اسلامی که بازار جهانی نفت را با نوسان‌های مداوم مواجه ساخت و افت محسوس قیمت در سال‌های اخیر، دولت انقلابی و برنامه‌ریزان اقتصاد کشور سعی دارند تا از اتکای به نفت بکاهند. زیرا که باید از سویی، این ثروت ملی پایان‌پذیر را برای نسل‌های آینده هم حفظ کنند و از دیگر سو، تأثیر این کالای استراتژیک و سیاسی را بر سرنوشت مردم کم‌رنگ سازند. به همین علت، طرح‌های عظیمی برای توسعه سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات به مرحله اجرا گذاشته شده است. سرمایه‌گذاری در این شرایط، نقش اساسی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند، اما ضعف زیر ساخت‌های لازم، تکنولوژی فرسوده و بروز حوادث طبیعی و عواملی از این دست، باعث شده است که محیط برای سرمایه‌گذاری ناامن شود و خسارت‌های زیادی به عوامل تولید وارد آید. این جاست که نقش بیمه و ضرورت کارایی آن احساس می‌شود.

بیمه باید رسالت و وظیفه اصلی خود را که ایجاد احساس امنیت، اعتماد و تأمین است، تحقق بخشد. وقتی مردم به بیمه اطمینان داشته باشند قدرت ریسک پیدا می‌کنند، به سرمایه‌گذاری می‌پردازند و دولت نیز حرکت می‌کند. بیمه عامل کلیدی در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، تقویب بازار سرمایه و افزایش بهره‌وری است. آیا بیمه واقعاً

به طور کامل وظایفش را انجام داده است؟ در پاسخ به این پرسش که «آیا صنعت بیمه، جایگاه واقعی خود را در هر یک از بخش های اقتصاد ایران پیدا کرده است؟» باید با قاطعیت «نه» گفت. به عبارت بهتر، توازن نسبی بین بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات از لحاظ برخورداری از پوشش های بیمه ای وجود ندارد و درک این واقعیت مستلزم تعمقی اساسی است.

نخستین نوع بیمه که رواج پیدا کرد، بیمه های باربری بود که در قرن حاضر شامل حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی شده است و با رواج استفاده از وسایل نقلیه، انواع بیمه های بدنه (اتوموبیل، کشتی و هواپیما)، شخص ثالث، دیه و ... را به همراه آورده است. از آنجا که مقوله حمل و نقل قسمتی از بخش خدمات را تشکیل می دهد (صرف نظر از وسایل شخصی) می توان گفت که ابتدا این بخش با بیمه مأنوس شده است. اما بدون شک بیشترین پوشش بیمه ای مربوط به بخش صنعت است. به ویژه بعد از انقلاب صنعتی در سده هجدهم که به سرعت صنایع عظیمی شکل گرفتند و چون سرمایه هنگفتی غالباً دو معرض خطر قرار داشت، بیمه آتش سوزی و انفجار دیگ های بخار و بیمه های مهندسی پاسخگوی این احساس ناامنی شد. هنگامی هم که بیمه های اجتماعی شکل گرفتند، این بیمه ها عمدتاً به کارگران واحدهای صنعتی بزرگ و کارکنان مشاغل خدمات دولتی اختصاص یافت و سایر مردم، کمتر به سوی آن جذب شدند. در نهایت، بخش کشاورزی کمترین سهم را از پوشش های بیمه ای داشته است و در حالی که از طرفی محصولات زراعی و دام ها و احشام روستاییان همواره در معرض خطر قرار دارد و از سوی دیگر خود کشاورزان هم نیاز شدیدی به تأمین اجتماعی و بیمه های مربوط دارند، هیچ اقدام جدی در زمینه گسترش فعالیت های بیمه ای در بخش کشاورزی صورت نگرفته است. از یافته های تحقیق در مورد عدم توازن بین بخش های سه گانه، چنین استنتاج می شود که

الف) سطح آگاهی عمومی از ماهیت و هدف های بیمه و مسائل مربوط به آن بسیار پایین است که در این میان، کشاورزان حداقل آگاهی را دارند.

ب) بخش صنعت بیش از سایر بخش ها از پوشش بیمه ای بهره مند است و کمترین سهم متعلق به کشاورزی است.

پ) گرچه برخی صاحبان واحدهای صنعتی، تجار و سرمایه داران عمده تا حدودی قدرت جبران خسارت های احتمالی را دارند، اکثریت جامعه که شامل کشاورزان

تهیدست، کارگران صنایع، کارمندان دون پایه دولت، کاسبان جزء و ... می شود، نیاز شدیدی به حمایت پوشش های بیمه ای دارند و برای مقابله با انواع خطرها، قدرت چندانى ندارند.

ت) جز رانندگان و کارکنان بخش حمل و نقل که تا حدودی بیمه های موجود را پاسخگوی نیازهایشان در برابر حوادث می دانند، سایر قشرهای جامعه معتقدند که این پوشش ها نمی توانند بر همه مشکلات آتی آنها غلبه کنند و در صورت بروز خطر، ناکافی هستند.

در مجموع باید متذکر شویم که اگر قصد نهادهای اجرایی جامعه، دست یابی به یک روند موفق رشد و توسعه هماهنگ است، باید به نوعی تعادل و موازنه ای بین بخش های سه گانه اقتصادی در نحوه برخورداری از پوشش های بیمه ای و تضمین سرمایه گذاری به وجود آید که این وظیفه خطیر بر عهده دولت، برنامه ریزان و سازمان های بیمه است.

اولویت بندی توسعه بیمه

اگر بخواهیم به این پرسش که «کدام بخش نیاز به توجه بیشتری در توسعه بیمه دارد؟»، پاسخ صحیحی بدهیم، به طور یقین پیش از هر چیز بخش کشاورزی در ذهن ما متصور می شود که محروم ترین بخش است و فاصله ای که بین اقتصاد متمول شهری و اقتصاد ضعیف روستایی وجود دارد، این اولویت را شدت و جدیت می بخشد: هر ساله دهها هزار تن محصول زراعی، هزاران هکتار زمین زیر کشت و هزاران دام بر اثر وقوع بلاهای طبیعی مثل سیل یا خشک سالی و حتی زلزله و هم چنین شیوع آفات گیاهی و امراض دامی و آتش سوزی های عمدی یا غیر عمدی جنگل ها و مراتع از بین می روند و میلیون ها ریال خسارت متوجه کشاورزان می شود. گاه این زارعان به دلیل نوسان های قیمت محصول در بازار و نداشتن ظرفیت صادراتی مناسب، مقادیر عمده ای از محصولات و میوه های تولیدی خود را منهدم می کنند که زیان شدیدی بر پیکره اقتصاد کشور وارد می آورد. از این رو بدیهی است که اگر حمایتی جدی از این قشر آسیب پذیر صورت نگیرد، همچون گذشته باید هر سال شاهد خالی شدن روستاها، آواره شدن جمع کثیری از روستاییان و کوچ آنان به حاشیه شهرها (که معضلات زیادی به دنبال دارد) و بایر شدن اراضی وسیع باشیم.

اندیشه تأسیس صندوق بیمه محصولات کشاورزی مربوط به دهه ۱۳۵۰ بود ولی

به طور عملی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و از سال ۱۳۶۳ این صندوق در ایران همچون ۵۰ کشور دیگر جهان، شروع به کار کرد. در ابتدا فقط ۳۰ هزار زارع را با ۸۹ هزار هکتار زمین تحت پوشش داشت، اما ظرف یک دهه توانست این رقم را به ۴۰۰ هزار کشاورز برساند که ۱/۸ میلیون هکتار زمین زیر کشت داشتند. در این مدت ۳۰/۲۸ میلیارد ریال حق بیمه دریافت و ۴۲/۸ میلیارد ریال خسارت پرداخت شد که ضریب خسارت ۱۴۱/۵ درصد را نشان می دهد. مشاهده می شود که اولاً هنوز تنها ۱۰ درصد از اراضی کشاورزی بیمه شده و آن هم معمولاً شامل زمین های کوچک و قطعات کمتر از ۱۰ هکتار است؛ ثانیاً اراضی واقع در مناطق پر خطر را بیمه کرده اند به طوری که در سال ۱۳۷۱ حدود ۴۵ درصد از اراضی بیمه شده دچار زیان شده اند. نخستین محصولاتی که به طور آزمایشی بیمه شدند پنبه، چغندر قند و از سال ۱۳۶۵ سویا بودند. در سال زراعی ۱۳۷۴-۱۳۷۵ سطح کل اراضی بیمه شده به ۱,۹۶۵,۰۰۰ هکتار افزایش یافت که متعلق به ۴۰۴ هزار بهره بردار بود و محصولاتی چون گندم، برنج، سیب زمینی، آفتابگردان و ذرت دانه ای را هم دربر می گرفت. هم چنین ۱۹۵ هزار دام عشایر، ۱۲ هزار دام صنعتی و ۶۴۷ هزار طیور هم مشمول قراردادهای بیمه قرار گرفته بودند. با این که حمایت و تشویق دولت در امر فعالیت صندوق بیمه محصولات کشاورزی دخالت مؤثر دارد، اما اگر توسعه بیمه به کلیه اراضی و روستاها به کندی صورت گیرد، وجود ضریب خسارت بالا با توجه به شرایط اقتصادی کشور و کسر بودجه دولت، فعالیت این صندوق را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد. پس ضروری است که راه های توسعه و فراگیر کردن بیمه اراضی، محصولات و دام ها در سطح روستاها به دقت مطالعه شود و هر چه سریع تر به اجرا درآید.

مسئله دیگر بخش کشاورزی، فقدان پوشش لازم بیمه های درمانی و اجتماعی است. قشر تهیدست روستایی که درآمد ناچیزی دارد، هم نیاز به کمک های مالی در مورد درمان بیماری ها دارد و هم محتاج خدمات حمایتی و قوانین بازنشستگی و ازکار افتادگی است. اخیراً پوشش بیمه درمانی همگانی برای روستاییان، با بودجه دولت و با هدف کاهش فشار اقتصادی به روستاییان، به مورد اجرا درآمده است که البته؛ بی مهری و بی توجهی مراکز درمانی شهری مواجه شده و عملاً نتوانسته است برطرف کننده مشکلاتی باشد.

در بخش صنعت، گرچه پوشش های بیمه ای مناسب وجود دارد، باید به طور عمیق تر

مطالعه شود و انواع جدیدی از بیمه که پاسخگوی تحولات سریع صنایع باشند مورد استفاده قرار گیرند. بیمه آتش‌سوزی و مهندسی نمی‌تواند تمامی نیاز این بخش را برطرف کند. شاید بیمه مازاد ضایعات بتواند زیان‌های واحدهای تولیدی و صنعتی را در جریان چرخه تولید جبران کند. زیرا که گاهی اوقات با خسارت‌های وارده بر محصولات، فعالیت یک مرکز صنعتی متوقف می‌شود. هم‌چنین معضلاتی که در امر انبارداری و توزیع محصولات و بازار فروش موجود است، هر از چندگاه باعث زیان دیدن بخش تولید و رکود صنعت می‌شود. یکی از پیامدهای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مختلف صنعتی، ساختمانی و معدنی به همت هر دو بخش عمومی و خصوصی است. متأسفانه به دلیل کندی عملیات اجرایی این طرح‌ها و مشکلاتی مثل کمبود اعتبارات یا تغییر سیاست‌ها که در طول مدت طرح پیش می‌آید، ده‌ها مورد از این طرح‌ها به‌طور نیمه‌کاره رها می‌شوند یا لاقط مدتی به حالت تعلیق و تعطیل در می‌آیند. این مسأله دو نتیجه منفی به دنبال دارد:

الف) ایجاد بی‌اطمینانی در امر سرمایه‌گذاری؛ و

ب) سردرگمی، بلاتکلیفی و سرخوردگی نیروی انسانی.

از این رو بهتر است که به چنین وضعیتی توجه بیشتری معطوف و موانع موجود برداشته شود تا این طرح‌ها به ثمر بنشینند؛ با بیمه کردن طرح‌ها، هم امنیت سرمایه‌گذاری تضمین شود، هم اطمینان خاطر به نیروی کار داده شود و هم دولت و سازمان‌های بیمه، به آینده طرح‌ها حساس شوند.

در بخش خدمات، توجه بیمه‌گران غالباً به حمل و نقل معطوف بوده است و تا حدی می‌توان ادعا کرد که این قسمت از انواع پوشش‌های بیمه‌ای اشباع شده است و حدود دو سوم از کل حق بیمه‌های بازرگانی در ایران مربوط به بیمه‌های باربری، اتوموبیل، کشتی، هواپیما و بیمه شخص ثالث است. این در حالی است که اغلب واحدهای خدماتی در رشته‌های تجارت، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هتلداری، خدمات عمومی و مالی و ... فاقد هرگونه پوشش بیمه‌ای هستند. یک عامل مهم که نیاز به بیمه را در این مشاغل کاهش می‌دهد، سودآوری و درآمد بالای این قبیل حرفه‌ها و آزادی عمل آنهاست که این تصور را به وجود آورده است که می‌توانند از عهده زیان‌های احتمالی برآیند. اما تجربه خلاف این را نشان می‌دهد. آتش‌سوزی‌های رخ داده در محوطه بازار تهران و پاساژهای بزرگ این شهر و نیز مراکز تجاری شهرهای بزرگ کشور، موجب وارد

آمدن خسارت‌های فراوان به واحدهای صنفی مختلف شده و دوزنگ خطر را برای سازمان‌های بیمه و صاحب‌نظران این واحدها، به صدا درآورده است:

الف) بسیاری از واحدهای صنفی، خدماتی و فروشگاه‌ها، فاقد پوشش بیمه آتش‌سوزی و سایر انواع بیمه هستند.

ب) اغلب واحدهایی که بیمه شده‌اند، به قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی دارایی‌هایشان بیمه شده‌اند و لذا در صورت بروز خسارت فقط بخش اندکی از آنها با بیمه تأمین می‌شود. به ویژه، چون موجودی کالای این واحدها دائماً در نوسان است، تعیین ارزش آنها امری دشوار است. به همین علت، بیمه در قالب کنونی آن موفق نمی‌شود که سرمایه‌گذاری در مشاغل خدماتی را تضمین کند. از سوی دیگر، نوسان نرخ ارز و بالا رفتن تورم، همواره باعث افزایش ارزش سرمایه بیمه شده طی مدت قرارداد می‌شود که خسارت را هم زیادتر می‌کند.

موانع توسعه بیمه در ایران

بدون شک مهم‌ترین مانعی که بر سر راه فراگیر شدن بیمه در اقتصاد کشور قرار دارد، فقر فرهنگی و نبودن نگرش صحیح به بیمه در بین افراد جامعه است. پایین بودن سطح آگاهی عمومی در زمینه بیمه و مسائل آن، گسترش و اشاعه فرهنگ بیمه را باکندی مواجه می‌سازد. به غیر از این عامل، تورم نیز مزید بر علت شده است. درست است که درآمد سالیانه مردم به‌طور عددی بالا می‌رود، اما پدیده تورم باعث می‌شود تا هر سال «قدرت خرید» یا درآمد واقعی آنها به شدت تنزل پیدا کند. در این حالت امکان پس‌انداز کم می‌شود و بیمه یک کالای لوکس خواهد شد.

پیشنهادها

در پایان بحث برای آن‌که کمکی به یافتن راهکارهای توسعه بیمه کرده باشیم، صرفاً به ارائه پیشنهادهایی در این زمینه می‌پردازیم تا با اجرای آنها در آینده فضایی مطمئن‌تر برای فعالیت‌های بیمه فراهم کنیم:

۱. آموزش اقشار جامعه

برای آشنا شدن طبقات مختلف مردم با ماهیت و ضرورت وجودی بیمه و پیامدها و مزایای آن می‌توان کار را از مدارس شروع کرد و حتی در کتاب‌های درسی نیز مطالبی را

گنجانید. با تبلیغات از طریق رسانه‌ها نیز می‌توان مردم را بیشتر با پدیده بیمه آشنا کرد.

۲. حمایت از صندوق بیمه محصولات کشاورزی

بهتر است که این صندوق به صورت یک شرکت بیمه مستقل درآمد و فعالیت آن دامنه‌دارتر شود. صندوق باید بتواند کلیه محصولات زراعی و دام‌های موجود را پوشش دهد تا ضریب خسارت‌های آن کم شود؛ باید برای آن به مقدار کافی بیمه‌اتکایی خریداری شود تا در آینده دچار ورشکستگی نشود.

۳. ایجاد رشته‌های جدید بیمه‌ای

برای این که پوشش‌های بیمه‌ای را تکمیل کنیم، هنوز ظرفیت‌های خالی زیادی باقی مانده است و می‌توان انواع جدیدی از بیمه را فراگیر کرد تا پاسخگوی زیان‌هایی باشند که قبلاً چاره‌ای برای آن‌ها نیندیشیده‌اند.

۴. کارشناسی دوره‌ای

در هنگام عقد قرارداد بیمه برای واحدهای خدماتی، تولیدی و صنفی ضروری است تا کارشناسان بیمه، ارزش واقعی دارایی‌ها را به قیمت روز محاسبه کنند و طی مدت قرارداد در فواصل معین برای مثال، (هر ۶ ماه یک‌بار یا هر یک‌سال یک بار) به تجدیدنظر در ارزش بازاری دارایی‌ها پردازند. این روش باعث می‌شود که در هنگام بروز حوادث و وارد آمدن خسارت به واحدها، بیمه پاسخگوی زیان وارده باشد.

۵. گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی

برای ایجاد عدالت اجتماعی، ضرورت توسعه این نوع بیمه انکارناپذیر است. بیمه‌های درمانی همگانی در روستاها باید شکلی جدی‌تر به خود گیرد. در بخش خدمات و صنعت، انواع بیمه خود اشتغالی و بیمه انفرادی را می‌توان فراگیر کرد.

۶. مهار تورم و تثبیت نرخ ارز

برای این که قدرت پس‌انداز و خرید مردم را بالا ببریم، باید نرخ تورم را کنترل کرد و کاهش داد. بیمه نیز یک کالای خریدنی است و تا مردم قدرت خرید بالا نداشته باشند، قادر به خرید بیمه نخواهند بود. تورم موجب می‌شود که افزایش عددی دستمزدها خنثی و قدرت خرید یا درآمد واقعی کمتر شود. طی سال‌های اخیر، تورم قیمت‌ها بین ۳۰ تا ۶۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، نرخ برابری ارز هم مدام در حال کاهش است و پایین آمدن ارزش ریال در مقابل دلار باعث افزایش نابرابری توزیع درآمد و کاهش و گسترش فقر می‌شود. اگر دولت بتواند نرخ ارز را ثابت نگه‌دارد، قادر به کنترل قیمت‌ها

خواهد بود و مانع از رشد تورم می‌شود که در نهایت قدرت خرید مردم و توانایی آن‌ها را برای خرید بیمه بالا می‌برد.

۷. سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی

گسترش سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه راه‌ها و حمل و نقل، احداث سد و کانال‌های آبیاری، سیلوهای غلات، افتتاح بازارهای عمده منطقه‌ای و مرزی برای تسهیل در تجارت و سهولت در امر صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی، هم مانع از بسیاری از خسارت‌ها می‌شود، هم باعث افزایش سرمایه‌گذاری‌های تولیدی؛ قدرت خرید مردم را نیز در بلندمدت افزایش می‌دهد که همه این عوامل در توسعه بیمه مؤثر است.

۸. وضع مقررات لازم

برای توسعه بیمه و ایجاد توازن بین سه بخش اقتصادی در ایران، دولت می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند. این کار را می‌توان از طریق وضع قوانین و مقررات لازم برای توسعه پوشش‌های بیمه‌ای، عملی کرد. دولت می‌تواند کشاورزان را ملزم به بیمه کردن محصولات خود کند و در این راه تسهیلاتی برای آنان در نظر بگیرد. زیرا که سطح پایین فرهنگی جامعه، اجباری شدن برخی امور را می‌طلبد، همان‌طور که در مورد بیمه‌های اتوموبیل، مقررات خاصی وضع شده است.

فهرست منابع

۱. آوانسیان آنوشاوان. «بررسی علل عدم رشد مطلوب صنعت بیمه در ایران»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، بهار ۱۳۷۱.
۲. جابری ایرج. «بیمه محصولات کشاورزی»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، پاییز ۱۳۶۷.
۳. شیبانی احمدعلی. تاریخچه پیدایش و تحول بیمه، انتشارات مدرسه عالی بیمه، ۱۳۵۳.
۴. کمالی حسین. «حمایت جدی صنعت، تجارت و کشاورزی در قالب بیمه»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، پاییز ۱۳۷۵.
۵. مظلومی نادر. «تحلیلی بر رشد و توسعه بیمه در ایران»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، پاییز ۱۳۶۶.

۶. میلانی سیدعلی. «تأثیر بیمه بر توسعه فعالیت بخش‌های صنعتی و کشاورزی»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، پاییز ۱۳۷۵.
۷. همتی عبدالناصر. «جایگاه بیمه در اقتصاد بدون نفت»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، پاییز ۱۳۷۵.
۸. هوشنگی محمد. بیمه حمل و نقل کالا، شرکت سهامی بیمه ایران، تهران، ۱۳۶۹.
۹. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۲، انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. دفتر مطالعات و پژوهش‌های بیمه‌ای. تحولات بیمه‌های بازرگانی در ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۰، انتشارات بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۲.
۱۱. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور ۱۳۷۴، انتشارات مرکز آمار.
۱۲. مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی کل کشور، انتشارات مرکز آمار.

13. *Britannica Book of the Year* (1996), Chicago, U.S.A.

14. Macmillan Ltd, *The Statesmans Yearbook* (1997-98), London, England.

15. *The Europe World Yearbook* (1996), London, England.